



مرکز پژوهش‌های بین‌الملل حوزه‌های فلسفه
Center for International Research of Hawrah Binjash

صامدون

نشریه الکترونیکی صامدون | ویژه‌نامه اربعین حسینی

سال اول / شماره سوم / مرداد ۱۴۰۵



فهرست مطالب

- نظر اندیشمندان در رابطه با قیام امام حسین (علیه السلام): ۳
- اربین با رویکرد منسک شناسی (قسمت سوم)..... ۶
- کارکردهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی اربین حسینی (قسمت سوم) ۱۱
- نظر دکتر محمدجواد عبدالرحمان در رابطه با اربین حسینی ۱۶
- مبانی انسان شناختی نهضت عاشورا ۱۷



نظر اندیشمندان در رابطه با قیام امام حسین (علیه السلام):

احمد محمود صُبحی:

اگر چه حسین بن علی (ع) در میدان نظامی یا سیاسی شکست خورد (به ظاهر)، اما تاریخ، هرگز شکستی را سراغ ندارد که مثل خون حسین (ع) به نفع شکست خوردگان تمام شده باشد. خون حسین (ع)، انقلاب پسر زبیر و خروج مختار و نهضت‌های دیگر را در پی داشت، تا آنجا که حکومت اموی ساقط شد و ندای خونخواهی حسین (ع)، فریادی شد که آن تخت‌ها و حکومت‌ها را به لرزه درآورد.

محمد زُغلول پاشا (در مصر، در تکیه ایرانیان):

حسین (ع) در این کار به واجب دینی و سیاسی خود قیام کرده و این گونه مجالس عزاداری، روح شهادت را در مردم پرورش می‌دهد و مایه قوت اراده آنها در راه حق و حقیقت می‌گردد.

عبد الرحمن شرقاوی (نویسنده مصری):

حسین (ع)، شهید راه دین و آزادی است. نه تنها شیعه باید به نام حسین (ع) ببالد، بلکه تمام آزادمردان دنیا باید به این نام شریف افتخار کنند.

حسین (ع) برای به دست آوردن فرصت و از سرگرفتن جهاد و دنبال کردن از جایی که پدرش رها کرده بود، در آتش شوق می سوخت. او زبان را دربارهٔ معاویه و عمالش آزاد کرد، تا به حدی که معاویه تهدیدش نمود. امام حسین (ع)، حزب خود را وادار کرد در طرفداری حق سختگیر باشند.

عبدالمجید جوده السحار (نویسنده مصری):

حسین (ع) نمی‌توانست با یزید بیعت کند و به حکومت او تن بدهد، زیرا در آن صورت، بر فسق و فجور، صحه می‌گذاشت و ارکان ظلم و طغیان را محکم می‌کرد و بر فرمانروایی باطل تمکین می‌نمود. امام حسین (ع) به این کارها راضی نمی‌شد، گرچه اهل و عیالش به اسارت افتند و خود و یارانش کشته شوند.

علامه طنطاوی (دانشمند مصری):

(داستان حسینی) عشق آزادگان را به فداکاری در راه خدا برمی‌انگیزد و استقبال مرگ را بهترین آرزوها به شمار می‌آورد، چنانکه برای شتاب به قربانگاه، بر یکدیگر پیشی جویند.

العُبیدی (مفتی موصل):

فاجعه کربلا در تاریخ بشر نادره‌ای است، همچنان که مسببین آن نیز نادره‌اند... حسین بن علی (ع) سنت دفاع از حق مظلوم و مصالح عموم را بنا بر فرمان خداوند در قرآن به زبان پیامبر اکرم (ص) وظیفه خویش دید و از اقدام به آن تسامحی نورزید. تمام هستی‌اش را در آن قربانگاه بزرگ فدا کرد و به این سبب نزد پروردگار، «سرور شهیدان» محسوب می‌شود و در تاریخ ایام، «پیشوای اصلاح طلبان» به شمار رفت. آری، به آنچه خواسته بود و بلکه برتر از آن، کامیاب گردید.

گیبون (مورخ انگلیسی):

در طی قرون آینده بشریت و در سرزمینهای مختلف، شرح صحنه حزن آور مرگ امام حسین موجب بیداری قلب خونسردترین خواننده خواهد شد. چنانکه یک نوع عطوفت و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می‌یابد.

نیکلسون (خاورشناس معروف):

بنی‌امیه، سرکش و مستبد بودند، قوانین اسلامی را نادیده انگاشتند و مسلمانان را خوار نمودند ... و چون تاریخ را بررسی کنیم، گوید: دین بر ضد فرمانفرمایی تشریفاتی قیام کرد و حکومت دینی در مقابل امپراطوری ایستادگی نمود. بنابراین، تاریخ از روی انصاف حکم می‌کند که خون حسین (ع) به گردن بنی‌امیه است.

حقیقتاً آن شجاعت و دلاوری که این عدهٔ قلیل از خود بروز دادند، به درجه‌ای بوده است که در تمام این قرون متمادی هر کسی که آن را شنید، بی‌اختیار زبان به تحسین و آفرین گشود. این یک مشت مردم دلیر غیرتمند، مانند مدافعان ترموپیل، نامی بلند غیرقابل زوال برای خود تا ابد باقی گذاشتند.

تاملاس توندون (هندو، رئیس سابق کنگره ملی هندوستان):

این فداکاریهای عالی از قبیل شهادت امام حسین (ع) سطح فکر بشریت را ارتقا بخشیده است و خاطره آن شایسته است همیشه باقی بماند.



اربعین با رویکرد منسک شناسی (قسمت سوم)

اربعین منسکی تمدنی

زیارت روز اربعین در عراق و به خصوص در سال‌های بعد از فروپاشی رژیم بعث، جلوه ای یافته است که گویای حرکت عجیبی است که مرزهای هویتی پیش گفته را درنور دیده است. اربعین به عنوان یک از مناسک اجتماعی عظیم جهان اسلام در دنیای پر از التهاب امروز، جلوه ای یافته است که به عنوان یک منسک فرا قومی، فرا زبانی، فرا ملی و حتی فرا دینی تجلی یافته است و اقوام، زبان‌ها، ملیت‌ها و حتی ادیان مختلف را خطاب قرار می‌دهد، آن‌هم در دنیایی که تفوق تمدن مادی را به ظاهر پذیرفته است.

با دقت در عبارات زیارت روز اربعین می‌توان به ماهیت کلان این حرکت عظیم انسانی و اهداف جهانی قیام حسینی(ع) دست یافت. امام صادق(ع) در این زیارت خطاب به خداوند متعال عرض می‌کند:

«بَذَلَ مَهْجَتَهُ فِیکَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةِ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَیْهِ مِنْ غَرَّتْهُ الدُّنْیَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۱۴)، «حسین بن علی(ع) جان خود را در راه تو داد تا بندگان تو را از جهالت نجات دهد و آنان را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند. همانا فریب زندگی، آنها را به خود مشغول و دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفسانی، از خود بی‌خودشان کرده بود».

انسان احساس می‌کند نهضت حسینی با دو نگاه که نشان دهنده بعد عظیم این نهضت است، قابل بررسی است. یک نگاه حرکت ظاهری حسین بن علی(ع) است، که علیه حکومت فاسد و ستمگر یزید قیام کرده است، اما باطن این قضیه، حرکت بزرگتری است که نگاه دوم، انسان را بدان می‌رساند، و آن حرکت علیه جهل و زبونی انسان است. در حقیقت حرکت حسینی(ع) اگر چه با یزید و حکومت فاسد اوست، لکن مبارزه ی گسترده تاریخی وی

محدود به حکومت بی ارزش و کوتاه یزید نیست؛ بلکه با جهل و پستی و گمراهی و زبونی و ذلت انسان در مبارزه است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲، ص ۵۳۸). حرکتی که محدود به دوره زمانی مشخصی نبوده و در مرز و جغرافیای خاصی محدود نمی گردد.

ظرفیت های تمدنی منسک اربعین

جلوه منسکی اربعین ابعاد و ظرفیت های را ایجاد می کند که می تواند مقدمه ساز و زمینه ساز شکل گیری تمدن نوین اسلامی باشد. مفهوم تمدن در رویکرد دینی به مثابه مفهومی عام در نظر گرفته شده که دارای زیرسیستم های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هنری است که تحت اشراف ابرسیستم های قانونی، اخلاقی و معرفتی برای پاسخگویی به هرم نیاز های انسانی شکل می گیرد. منسک اربعین ظرفیت عظیمی را در شکل گیری زیرسیستم های فرهنگی، اقتصادی و هنری تمدن نوین اسلامی فراهم می آورد و با ایجاد زیرسیستم های تمدنی در الگویی اسلامی، ظرفیت های لازم خلق تمدن نوین را فراهم می آورد. این زیرسیستم ها از الگویی جهان شمول و بشری بهره می برند و مخاطبان جهانی را هدف قرار می دهند. در ادامه به برخی از این ظرفیت های زیرسیستمی تمدنی اشاره می شود.

ایجاد الگوی اقتصادی تعاون محور

در اجتماع عظیم اربعین شاهد تولید زیرسیستمی اقتصادی هستیم که بر روحیه مشارکت و تعاون آن هم از جنس داوطلبانه شکل می گیرد، مشارکتی که در تمدن منفعت محور غربی بی معنا است و خالی از عقلانیت. منسک اربعین می تواند از مصادیق آیه دوم سوره مبارکه مائده باشد که می فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده، ۲). اگر این اصل در اجتماعات اسلامی زنده شود و مردم بدون در نظر گرفتن مناسبات شخصی و نژادی و خویشاوندی با کسانی که در کارهای مثبت و سازنده گام بر می دارند همکاری کنند، و از همکاری کردن با افراد ستمگر و متعدی در هر گروه و طبقه ای که باشند، خودداری نمایند، بسیاری از نابسامانی های اجتماعی سامان می یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۵۴).

منسک اربعین مشارکت و پشتیبانی اقتصادی را منجر می شود که از الگوی اقتصادی متفاوتی نسبت با الگوهای اقتصادی رایج و غربی پیروی می کند و منتهی به ایجاد زیرسیستم اقتصادی خاصی می شود که با الگوهای اقتصادی موجود بسیار متفاوت است. منظور از زیرسیستم اقتصادی تمدنی برخورداری تمدن از سیستم های بهینه ای است که سبب ایجاد امنیت یا تولید روزی مناسب برای جسم و نیز امورمانند سیستم بهداشت و تغذیه مناسب و غیره می گردد.

خلق فرهنگ و هنر تمدنی

ایجاد زیرسیستم های فرهنگی و هنری تمدنی از دیگر جلوه های تمدنی منسک اربعین است، آن جا که فرهنگ و هنر از قواره زبانی و قومی خود خارج و در قالبی نوین تجلی می یابد که برای انسان در قواره ای تمدنی فهم می شود. جلوه های فرهنگی و هنری در منسک اربعین دارای شقوق متفاوتی است که اگر بخواهیم آن را به صورت طیفی نشان دهیم، دارای دو حد تحتانی و فوقانی می باشد که حد تحتانی آن شامل الگوهای فرهنگی و هنری جامعه عراق است و حد فوقانی آن تعامل و خلق الگوهای جهانی و بین المللی هنری و فرهنگی است. هرگاه تحول و حرکتی براساس مبانی اسلامی در هر نقطه ای از کره زمین انجام گیرد، نمی تواند تنها نظر به درون جامعه ی

خود داشته باشد و در حصار سرزمینی خاصی به محاصره در آید و بدون شک پیامی فراتر از مرزهای خود ارائه می دهد و درصدد صدور ارزش های خویش به دنیای خارج برمی آید. منسک اجتماعی عظیم اربعین با ایجاد زیرسیستم تمدنی فرهنگی و هنری که بر ارزش های فطری و جهان شمول بنا شده است، معانی فرهنگی و هنری را خلق می کند که علاوه بر جامعه میزبان، مخاطبانی در سطح تمدنی را هدف گذاری کرده است.

تولید نظم اجتماعی نوین

توانی خلق استعداد شکل دهی نظم اجتماعی جدید از دیگر ظرفیت سازی های منسک اجتماعی اربعین است. نظم اجتماعی از جمله زیرسیستم های تمدنی است که سامان تمدن و ارتباط دیگر اضلاع تمدنی را ممکن می شود. ویل دورانت تمدن را نظامی اجتماعی می داند که طی آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر شده و جریان می یابد و ظهور آن منوط به برقراری امنیت و پایان یافتن هرج و مرج است (دورانت، ۱۳۳۱، ص ۱۹). اربعین در جلوه یک منسک اجتماعی تمدنی توانسته است در کشور پر آسیب و کم نظم عراق، الگوی نوینی از خلق نظم را معرفی نماید که بسیاری از کشورهای دارای تجربه های متعدد در مناسک جمعی عبادی و سیاسی از فهم الگوی آن ناتوان هستند. اربعین نظم اجتماعی ای را ایجاد می کند که منسک بیست میلیون نفری را به مراتب کم آسیب تر از برگزاری مراسم سه میلیون نفری حج تمتع در سرزمین حجاز اداره می کند. باید در نظر داشت که منسک و اجتماع اربعین علاوه بر تولید نظم اجتماعی درونی در همان بازه زمانی برگزاری مراسم راهپیمایی اربعین است، ظرفیتی را فراهم می آورد که موجبات شکل گیری نظم اجتماعی گسترده تر شده و ثبات سیاسی و امنیتی کشور عراق را نیز رقم می زند.

امنیت آفرینی ایجابی

از دیگر ظرفیت های حیاتی شکل گیری تمدن نوین خلق منابع امنیت، آن هم در الگویی متفاوت است. منسک اجتماعی اربعین به عنوان بزرگ ترین اجتماع بشری در عصر حاضر، موجب تولید منبعی منسکی در خلق امنیت برای جامعه میزبان گشته است. اربعین بزرگ ترین مانور امنیتی در عصر معاصر است. مانوری که بیست میلیون شرکت کننده دارد که نه به دلیل عضویت در سازمان نظامی بلکه به واسطه اتصال قلبی به منبعی ازلی و ابدی در این مانور شرکت کرده اند.

در حوزه مطالعات امنیتی دو گفتمان اصلی را می توان پیشنهاد داد، گفتمان ایجابی و گفتمان سلبی. گفتمان سلبی شاخصی سخت افزار گرایانه دارد و در مقابل گفتمان ایجابی شاخصی نرم افزار گرایانه و گفتمان سلبی در مقابل گفتمان ایجابی از آن حیث که بر نقش عوامل سخت افزار گرایانه تأکید می کند، متمایز می شود (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸). منسک اربعین توانسته است بر خلاف گفتمان سلبی و تهدید محور امنیت که بر ابزارهای سخت و نظامی خلق امنیت تأکید دارند، امنیتی جمعی خلق کند که ریشه در اجتماع و منسک بزرگ اربعین دارد و با قدرت نرم افزاری در گفتمانی ایجابی، موجب پدیداری امنیت در منطقه گشته است. اگر جلوه منسکی اربعین این چنین گسترده نبود، خلق و ثبات امنیتی آن نیز ممکن نبود و این امنیت جنس و منبع متفاوت از منابع رایج تولید امنیت در دیگر تمدن ها دارد.

هویت آفرینی تمدنی

با فروپاشی مسیحیت در غرب هویت دینی با تزلزل روبرو شد و فرصت مناسبی برای دولت‌های سکولار فراهم آمد تا هویت جمعی جدید را شکل دهند، هویت ملی و مرزی. هویتی که با محدودیت‌های سرزمینی خاص معنا می‌شود و دیگر مانند مسیحیت فرا مرزی و دارای پیوند ماورائی نبود. بعد از تندروی‌های شدید در هویت ملی، هویت تنفر آفرین شدند که نتیجه‌ی آن تنفر انباشته در جنگ اول و دوم جهانی خود را نشان داد. بعد از آن انسان به دنبال هویت‌های فرا ملی رفت و با خلق اندیشه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی در صدد جبران برآمد. سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ایجاد شد تا هویت ملی را محدود نماید و تلاش شد تا دولت‌های ملی محدود و فرهنگ جهانی پذیرفته شود.

روشن است که امروز بشر به دنبال یک هویت جهانی است که خود را در آن تعریف نماید و الگوی تمدنی غرب با ارائه نسخه‌های مارکسیستی و لیبرالیستی و تئوری دهکده جهانی بر خلاف معنای جمعی هویت تلاش دارد. لکن تضادهای، تنش‌ها، کشتارها رو به فزونی است و این به اصطلاح دهکده جهانی خلاء هویتی جدی دارد و تضادهای هویتی بسیار دارد. اربعین و منسک اجتماعی آن تمرین و ظرفیت آفرینی است که جلوه‌ای از هویت جهانی را نمایان گر است. در این منسک هویت‌های قومی، زبانی، ملی رنگ می‌بازد و جهان‌اندیشی در مسیری واحد شکل می‌گیرد. راهپیمایی بزرگ اربعین وحدت هویتی ایجاد نموده و جلوه‌ای از رفق و مدارا در فرهنگ اسلامی است. رفق و مدارایی که بر خلاف تساهل و تسامح در گفتمان غربی از نداشتن نظام ارزشی و نسبی‌گرایی مطلق رنج نمی‌برد. معنا و مفهوم رفق و مدارا، مبانی و اصول و پشتوانه‌ی نظری آن در اندیشه اسلامی با مفهوم لیبرالی «تولرانس» که به معنای بردباری منفی است بسیار متفاوت و حتی متضاد به نظر می‌رسد (محمّدی سیرت و درخشه، ۱۳۹۲، ص ۵۱). منسک اجتماعی اربعین از رفق و مدارایی سخن می‌گوید که با خلق نظام ارزشی جهان شمول موجبات ایجاد زیرسیستم هویت در تمدن نوین اسلامی می‌گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مناسک اجتماعی مجموعه‌ای از رفتارهای نمادین جمعی هستند که به منظور بزرگداشت، یادآوری و نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارهای یک نظام اعتقادی مشخص برگزار می‌گردند. برگزاری این مناسک موجب شکل‌گیری هویتی مشترک حول آن ارزش‌ها می‌گردد. نظریه پردازان غربی و به خصوص دورکهایم مناسک اجتماعی را دارای دو کارویژه آموزشی و هویتی می‌داند که موجب انتقال ارزش‌ها به مخاطبان و همچنین همبستگی میان ایشان می‌گردد. البته وی گسترش نظامات علمی مدرن را موجب کاهش نقش آموزشی مناسک اجتماعی می‌داند و معتقد است که صرفاً این مناسک امروزه، خاصیتی همبستگی آفرین آن هم در لایه‌ای سطحی دارند. همچنین وی در رویکردی ساده‌انگارانه و تقلیل‌گرایانه دین را به مجموعه‌ای از مناسک نمادین تقلیل می‌دهد و در نتیجه دین نیز همچون دیگر مناسک اجتماعی پیش‌گفته، ابزاری نه‌چندان کارآمد برای ایجاد هویت جمعی است و کارکرد جدی دیگری ندارد.

لکن با توجه به قرائت صحیح و حداکثری از اسلام، روشن می‌شود که بر خلاف جایگاه مذهب در غرب، اسلام و مناسک اجتماعی آن، در دنیای پیچیده و درهم‌تنیده امروز نیز کارآمد است و نقشی بسیار جدی در تحولات اجتماعی ایفا می‌کند. اسلام به دنبال نقش جدی اجتماعی است و سکولاریسم را رد می‌کند و بسیاری از فرامین آن جلوه و نقش پررنگی در عرصه اجتماع دارند. یکی از اجتماعی‌ترین این جلوه‌ها، مناسک عبادی اسلام است که چهره‌ای اجتماعی-سیاسی می‌یابد. نهضتی حسینی(ع) و جلوه‌های گوناگون آن، از جمله زیارت پر

شکوه اربعین نمونه ای از مناسک اجتماعی اسلام است که در دنیای مادی گرا امروز منادی حیات و حرکت است و هر روز مخاطبان بیشتری را به خود فرا می خواند.

مناسک اجتماعی گاه مختص اجتماعی کوچک چون قبیله است و در یک قوم مشخص و محدود درک می شود. گاه فراتر رفته در هویت مدرن ملیت و در چارچوب مرزهای ملی نمایان است و خارج از مرزهای ملی و برای دیگر ملیت ها معنایی ندارد. البته ممکن است از مرزهای ملی عبور کند و در قالب یک زبان خود را نشان داده و برای اهل یک زبان معنا دار و هویت بخش شود که آن هم محدود به مرزهای زبانی است. مناسک اجتماعی در جلوه ای گسترده تر در قالب ادیان ظهور می یابند و موجب ایجاد وحدت در میان مؤمنان یک دین از اقوام، زبان ها و ملیت های گوناگون می شوند. این دست از مناسک بسیار گسترده تر و همه گیرتر از مناسک اجتماعی دیگرند، اما باز هم ولو بسیار ناملموس، در مرز دینی محدود می شوند.

لکن برخی از مناسک اجتماعی بشری مخاطب خود را فراتر از مناسک اجتماعی پیش گفته می یابند. البته معمولا نمی توان آنان را از مناسک دینی مجزا نمود، بلکه جلوه ای کلان از مناسک دینی و به خصوص دین خاتم و عزیز اسلام می باشند. اربعین حسینی(ع) در خطابی جهانی، گمراهی، سرگردانی و تشنگی انسان را مخاطب قرار داده است و از تمامی لایه های هویتی عبور کرده، مقدمه ساز شکل گیری منسک اجتماعی بشریت را فراهم می کند. قومیت، زبان، ملیت و حتی دین، در حادثه عظیم اربعین تبدیل به یک هویت واحد می شوند و انتظار بشر را از شکل گیری هویتی کلان، فراگیر و همگانی حکایت می کنند. اربعین در قالب هویتی دینی، تمرینی است برای نادیده گرفتن لایه های هویتی غیر حقیقی برای تشکیل جامعه متحد موعود.

اربعین در جلوه ی منسکی خود موجبات ایجاد ظرفیت ها و زیرسیستم های تمدنی گردیده است که از الگو، مبنا و مبانی متفاوتی نسبت به تمدن های مادی بشری پیروی می نماید. در این مقاله نویسنده به پنج ظرفیت ایجاد شده اشاره نمود: ۱- ایجاد الگوی اقتصادی تعاون محور که بر مسئله رزق الهی توجه داشته و بر خلاف رویکرد منفعت محور و اصالت سود بر مفاهیمی چون انفاق، نذر، وقف تأکید دارد. ۲- منسک اربعین اجتماعی عظیم است که اجرای آن نیازمند نظم و هماهنگی بسیار است. اربعین با الگوی درون محور بر پایه های ایمانی موجب ایجاد نظم گردیده و ثبات سیاسی و اجتماعی را در جامعه میزبان تحکیم نموده است. ۳- خلق معانی هنری و فرهنگی که برای همگان فهم پذیر است از دیگر ظرفیت های تمدنی منسک اربعین است. اجرای منسک اربعین همچون دیگر مناسک بشری نیازمند ابزارها، نمادها، معناهای فرهنگی و هنری است، لکن این اجتماع ظرفیتی هنری و فرهنگی را تولید نموده است که علاوه بر جامعه میزبان برای مخاطب جهانی فهم می شود و قواره ای تمدنی یافته است. ۴- از جمله زیرسیستم های اساسی تمدن امنیت آفرینی است. منسک و اجتماع عظیم اربعین در الگوی ایجابی و بر خلاف الگوی کلاسیک سلبی که بر سخت افزار نظامی استوار است، امنیتی نرم افزانه را خلق نموده است. مانور عظیم انسانی اربعین امروز از بزرگ ترین مانورهای امنیتی در منطقه و حتی جهان محسوب می گردد. ۵. هویتی تمدنی که حضور در منسک اربعین ایجاد می کند از مرز هویت های جعلی تمدن غربی عبور کرده و الگوی نوین در خلق هویت که از نیازهای اساسی تمدنی است به وجود آورده است.



کارکردهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی اربعین حسینی (قسمت سوم)

کارکردهای فرهنگی اربعین

الف) اربعین پدیده کلان فرهنگی: پیاده روی اربعین حسینی، پدیده‌ای است که نمی‌توان آن را از نظام فرهنگی جدا دانست. در پیاده روی اربعین، امت اسلامی، حرکتی فرهنگی را به نمایش می‌گذارد. این پیاده روی، پیام‌های زیادی دارد. در این حرکت افراد با سن‌های متفاوت و با فرهنگ‌های مختلف، هدفی مشترک دارند. پیاده روی اربعین نشان می‌دهد که چطور می‌توان با حرکت فرهنگی، که ذات مخلصانه و خالصانه دارد، موانع سیاسی را از بین برد و بین ملت‌ها پیوند ایجاد کرد. در اربعین حسینی، همه افراد در پیاده روی اربعین با نگاه الهی حرکت می‌کنند و این حرکت باعث دوستی بین ما و مردم عراق شده است. این اثر، حماسه حسینی بعد از سال هاست.

نباید از نظر دور داشت که راهپیمایی ایام اربعین در عراق، در حال تبدیل شدن به یک پدیده کلان فرهنگی و تمدنی در مقیاس جهان اسلام و بلکه دنیای امروز است. این راهپیمایی، نه یک راهپیمایی به سمت کربلا، بلکه همایش بزرگ انسانی، اخلاقی و فرهنگی است که حقایق بکر و پنهان آن بسیار فراتر از جلوه‌های ظاهری‌اش است. صحنه‌های ویژه اخلاقی و انسانی در دهه اربعین، در راه‌های منتهی به کربلا در عراق، بسیار شگفتی‌آور است. لذا نباید از تفسیر این پدیده کلان فرهنگی و تمدنی غفلت کرد.

از نظر ویل دورانت «تمدن، نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب و رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند؛ نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون،

نگه دارنده آن می باشد و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند» (ویل دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵). ساموئل هانتینگتون، «تمدن» را بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می آورد (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص ۴۷). هنری لوکاس «تمدن» را پدیده ای به هم تنیده می داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربر می گیرد (لوکاس، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۷ و ۱۶).

بنابراین از کارکرد های مهم اربعین، شکل گیری اندیشه های تمدنی در دو لایه عمومی و تخصصی است. اربعین این ظرفیت را دارد که تفکر در مسیر پیاده روی و عقلانیت معرفتی و اخلاقی و اجتماعی در تعاملات را تقویت کند و محلی برای بارورسازی آن باشد و تحقق این مهم به سیاستگزاری و برنامه ریزی در نهادهای متولی احتیاج دارد. عشاق الحسین در اوج عشق و احساسشان، به آنچه می کنند آگاهی دارند و کاملاً فلسفه «حب الحسین» و کارکرد اجتماع حسینی را می فهمند و آن را در قالب شعارهای مختلف و متنوع مانند «حب الحسین یجمعنا»، «یوحنا حب الحسین» یا «عشیره الحسین فوق العشیره» برجسته می کنند و آن را نصب العین خود می سازند.

ب (تبلور آموزه های مذهبی و دینی: اربعین یکی از آیین های مهم است که در آن جامعه متدین و ارزش گرا تبلور می یابد. این آیین ها فرصتی برای ترویج دیانت اسلامی و فرهنگ و اندیشه شیعی است که جامعه سازی را دنبال می کند. آنچه در اربعین ابراز می شود، خواسته یا ناخواسته ارزش های شیعی تلقی خواهد شد. پس باید از هر گونه بی تدبیری و رفتارهای نابجا دور نگه داشته شود تا موجب وهن فکر و فرهنگ شیعی اسلامی نشود.

نباید از نظر دور داشت که آیین ها، تاریخ فرهنگی جوامع اند و اصرار بر حفظ آن، تأکید بر نگه داشت میراث فرهنگی است و دخل و تصرف در آنها، تحریفی در حوزه فرهنگ شیعی به شمار می رود.

ج (آشنایی با ظرفیت های گردشگری مذهبی: ظرفیت عظیم اربعین و حضور خیل گسترده زائران در برخی از مناطق و استان های کشور عزیزمان ایران، فرصتی ارزنده برای معرفی ظرفیت های گردشگری این مناطق به دیگر نقاط کشور است و خود موجب اشتغال می شود. اربعین زمینه مناسبی برای ارتباطات فرهنگی میان مؤمنان از بلاد مختلف است. اربعین جایی است که همه شیعیان و دلباختگان به آستان حسینی دستاوردهای معنوی و الهی خود را با مردم دیگر تقسیم می کنند. این جریان هم افزایی و هم آوایی با اربعین عجین است و نباید آن را از اربعین بگیریم.

د (حیات بخشی به شیعه: مقوله اربعین، حیات بخشی به شیعه است و شیعیان با این رفتارها، نوعی یکسان پنداری و همراهی با سیدالشهدا علیه السلام دارند. فرزندان ما باید به شیوه های گوناگون با هویت مذهبی شیعی خود آشنا شوند و آن را در نهاد خود ریشه دار کنند. سوگواری سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله علیه السلام یکی از مؤثرترین رسومی است که به تبیین و ترویج معارف اسلامی و تقویت پایه های فرهنگ اهل بیت: در طول تاریخ یاری رسانده است.

مراسم پیاده روی اربعین که با حضور عاشقانه و خالصانه دوستان اهل بیت، فارغ از هر ملیت و زبان انجام می گیرد، یکی از بهترین فرصت های آشنایی و تعمیق روابط معنوی، سیاسی و فرهنگی شیعیان جهان است. این مراسم در قالبی ساده، ملایم و نرم و عاری از هرگونه خشونت و تعرض به دیگر فرق اسلامی، شیعیان را امتی مقتدر و باصلابت معرفی می کند و ضمن به نمایش گذاردن مناسک شیعی، پیام وحدت، یکپارچگی و هوشیاری آنان را به دشمنان و بدخواهان می رساند. به جرئت می توان گفت، قسمتی از فرهنگ شخصی هر شیعه و بخش اعظم فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی، از فرهنگ عاشورا نشئت گرفته است.

روح جمع گرایی (در جهانی که فردگرایی در آن غالب است)، تقویت ارتباطات و مناسبات انسانی بر پایه محبت، صمیمیت، تلاف، ایثار، انفاق و تعاون، تألیف قلوب و تقویت روح اخوت و همدلی در پرتو ذوب انانیت ها و لغو همه تمایزات، اعم از قومی، ملی، شغلی، تحصیلی و... بخشی از کارکردهای اربعین حسینی است.

روابط انسانی در ایام اربعین، بر اساس ملاکات دنیوی و سنجه های ملیتی، سیاسی، طبقاتی یا قبیله ای شکل نمی گیرد؛ بلکه بر محور امری متعالی، معنوی و محبوب، به صورت نظام خدمت به زائر انجام می گیرد. در این نظام ارتباطی، هر کسی یا زائرالحسین است یا خادم الحسین و خادم زائرالحسین. غیر از این دو، هویت و شناسنامه دیگری در این همایش بزرگ شناخته نمی شود. در مراسم اربعین امت اسلامی و بلکه امت انسانی و ایمانی، نظام ارتباطی خود را بر محور حسین بن علی^۸ بازتعریف می کند. صورت بندی چنین امتی بر پایه معشوق و محبوب واحدی انجام می یابد که در آن، معرفت، مصیبت و حماسه امام حسین علیه السلام بر همه من ها و خودبینی ها غالب می شود و همه را به یک «ما» تبدیل می کند (وحدت اجتماعی بر پایه معشوق مشترک). علاوه بر معشوق مشترک، عشق مشترک انسانی، موجب رقت و لطافت نفسانی و روحی افراد می شود و آنها را به هم مهربان تر و بلکه عاشق یکدیگر می کند (وحدت اجتماعی بر اساس عشق مشترک).

آنچه جوهر و هسته مرکزی اربعین را شکل می دهد و آن را به یک جامعه بهشتی در زمانه سکولار امروز تبدیل می کند، همین وجود یک «ما» از من های مختلف مذهبی، فرهنگی و دینی بر محور یک هدف متعالی و محبوب است. همه من ها و خودبینی های سفلی در پرتو نور حسینی به یک «ما» و بلکه به یک من کَلّی و علوی تبدیل می شوند که در آن به رغم وجود کثرات و تعدد و تنوع، تنازعی در کار نیست؛ بلکه هر مقدار بر این تعدد و تنوع افزوده می شود، همزیستی و همکاری و همدلی نیز در آن بیشتر می شود.

مناسک دینی مانند اربعین، گنجینه ای عظیم است که هرچند به ابعاد عبادی و معرفتی آن کمابیش توجه شده است، اما به ابعاد اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آن و جایگاه و ظرفیت های آن در مسیر تحقق تمدن اسلامی و تعمیق معارف دینی در جان مسلمانان توجه زیادی نشده است. این در حالی است که از یک سو تمدن لیبرال دمکراسی با داعیه تمدن پایان تاریخ به دنبال جهانی کردن خود است و مهم ترین چالش خود را در مسیر جهانی سازی، اسلام تمدنی می داند و از طرف دیگر با بیداری اسلامی بار دیگر زمینه تحقق امت اسلامی پدید آمده است و پرواضح است که در عصر حاضر برای پویایی و بالندگی این امت و مقابله تام و تمام با جهان کفر و الحاد راهی جز پیمودن مسیر تحقق تمدن اسلامی با تمام لوازم تمدنی آن پیش روی امت اسلامی نیست. لذا لازم است همه آموزه ها و ظرفیت های جهان اسلام با رویکردی تمدنی بازخوانی شود و نقشه ای جامع برای تحقق تمدن اسلامی طراحی گردد تا حرکت و پتانسیل جهان اسلام در مسیر واقعی خود قرار گیرد .

از محوری ترین و مهم ترین کارکردهای اربعین، جهت دهی و شکل دهی به تمایلات مؤمنانه و ایجاد محبت و همدلی بین امت اسلامی به منزله عنصر مهم و اساسی در شکل گیری تمدن اسلامی است. بر این اساس می توان تمایلات اجتماعی را یکی از عناصر مهم در شکل گیری تمدن اسلامی برشمرد و این ادعا با مطالعه تاریخی به خوبی قابل اثبات است؛ زیرا یکی از نقاط اساسی عزیمت از هر شکل تمدنی به شکل دیگر، تغییر در تمایلات، عاطفه ها و زیباشناسی اجتماعی است.

اربعین با خود گرایی و تمایل به ایثار و انفاق و گذشتن از منافع مادی و کسب اجر الهی و خشنودی اولیای الهی را به همراه دارد و رفتارها بر این اساس شکل می گیرد. در مواجهه با اربعین، نظام زیباشناختی جدیدی به محوریت قیام أباعبدالله علیه السلام شکل می گیرد و بر همین اساس هنرهای تجسمی و ادبیات را تحت الشعاع خود قرار می دهد و بشر دل داده به افق ناسوتی حیات و زندگی سوداگرانه را متوجه افق ملکوتی و جنبه های متعالی زندگی می

کند. این امر موجب می شود روح نظام سرمایه داری که بر محوریت خوش گذرانی و ثروت جویی و کسب درآمد است، مخدوش شود و نظام متعالی رخ نماید که محوریت آن با انفاق و ایثار و کرامت انسان و عشق به بهترین بندگان خدا شکل می گیرد.

اندیشه های تمدنی براساس نظام گرایش ها و باورهای دینی و عقلانیت معرفتی برآمده از معارف وحیانی در قالب علم شکل می گیرد. اربعین به مثابه کنگره ای برای گردهمایی اقشار مختلف اجتماعی، که در پاره ای موارد حتی از چارچوب مذهب شیعه و دین اسلام فراتر می رود، می تواند ظرفیت هایی را که در شکل گیری اندیشه های تمدنی مؤثر است، فعال کند. این کنگره از سویی محملی برای انتقال معارف دینی و اجتماعی (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) است و می تواند به تولیدات اندیشه ای در لایه های بنیادین، راهبردی و کاربردی منجر شود و از سوی دیگر عرصه ای فراخ و پرمسئله در ابعاد مختلف علوم انسانی است؛ ظرفیت های اندیشه ای و دانشی که در اربعین و با توجه به پیچیدگی ها و درهم تنیدگی جنبه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی بروز و ظهور می کند.

نباید از نظر دور داشت که عراق، مهد یکی از تمدن های مهم در طول تاریخ بشر است و برنامه ریزی برای انتقال این معارف تمدنی و دانشی می تواند به استحصال ظرفیت های تمدنی راهپیمایی اربعین منجر شود. علاوه بر اینکه کنگره اربعین این ظرفیت را دارد که در برشوراندن تفکر در مسیر پیاده روی، نقش مهمی ایفا کند؛ ضمن اینکه مشاهدات و تأملات چند روز پیاده روی باعث افزایش تراکم معرفتی و اندیشه ای و تقویت عقلانیت معرفتی و اخلاقی و اجتماعی در تعاملات اجتماعی با اندیشه ها و گرایش های مختلف باشد.

بی تردید تحقق این مهم نیازمند سیاستگذاری و برنامه ریزی در نهادهای متولی است. دو موسم اربعین و حج، به دلیل ایجاد هم دلی و فراهم کردن زمینه های وسیع تعاملات اندیشه ای، می تواند زمینه مناسبی برای ایجاد این امر مهم باشد و کانون اصلی و مرکزی ایجاد هم فکری شود. باید از این فرصت طلایی به نحو احسن و بهینه استفاده کرد.

کارکرد تمدنی دیگر اربعین جهت دهی به سبک زندگی اسلامی و نزدیک کردن فرهنگ های مختلف به فرهنگ اصیل اسلامی است. اربعین می تواند مؤثرترین عامل مبادله فرهنگی و فکری، و محلی برای هم افزایی عناصر سازنده سبک زندگی و فرهنگ اصیل اسلامی در همه زمینه های زندگی باشد. نمایندگان و رهبران مذاهب اسلامی باید با استفاده از این فرصت، آثار، اخبار و سیره پیامبر خدا را در زمینه های مختلف اعتقادی، سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی بازگو کنند تا در این فرصت زندگی جمعی، که اشتراک در همه ساحات زندگی به وجود می آید، الگوهای خوب تربیتی شکل بگیرد و از بدعت ها گذر، و تقید به سنت های حسنه، بیشتر شود.

آنچه در همایش اربعین رخ می دهد، هم از نظر ایمانی و هم حبی و عشقی، کارکردهای تمدنی دارد. اربعین از یک سو حرکت و تمرینی ایمانی است که موجب افزایش ایمان می شود و نظام مناسبات انسانی را تنظیم می کند و در نتیجه باعث عمران و آبادانی جامعه مسلمین می شود. از سوی دیگر، در اربعین، با تأکید بر یک محبوب واحد، محبتی نسبت به همدیگر به وجود می آید و نظام مناسبات انسانی به شکل درستی سامان می یابد. صورت بندی چنین جامعه ای بر پایه معشوق و محبوب واحد باعث می شود «من» ها رنگ ببازند و همه به یک «ما» تبدیل شوند؛ یعنی وحدت اجتماعی بر پایه معشوق مشترک (بابایی، ۱۳۹۱، ص ۲۴).

گوهر و هسته مرکزی تمدن، در اربعین جاری و صادق است. در حقیقت، معنوی و ایمانی بودن اربعین مانع از تمدنی بودن آن نمی شود؛ به بیان دیگر، اربعین پدیده خاصی است که در آن معنویت و مدنیت یکجا تجلی و تبلور پیدا می کند و تناقضات میان ماده و معنا برطرف می شود و امور مادی و دنیوی در پرتو حقایق معنوی سامان می گیرد. اگر

اربعین و نظام مناسبات انسانی که در آن شکل می‌گیرد در نظام مناسبات انسانی مسلمین تسری پیدا کند، بی شک تمدن اسلامی در وضعیت معاصر امروز احیا می‌شود و به کمال می‌رسد.

ه) کارکردهای دینی و تربیتی: از کارکردهای فرهنگی اربعین، آثار تربیتی آن است. فرهنگ زیارت، علاوه بر ثواب هایی که در احادیث برای زائران ائمه بیان شده، کارکردها و آثار تربیتی نیز به همراه دارد. از جمله فوائد تربیتی زیارت می‌توان به این مسائل اشاره کرد: افزایش معرفت زائر و آموختن معارف دینی از خلال زیارتنامه ها، آشنایی با مقام امامان و تحکیم رابطه ولایی بین انسان با اولیای خدا، ارائه الگویی مناسب برای جامعه، زمینه سازی فضای مذهبی حرم های امامان و مزارها برای ترک گناهان و کسب فضائل.

اربعین حسینی پمپاژکننده معنویت و ایمان در عصر جاهلیت و ضلالت است؛ همان طور که در زیارت اربعین می خوانیم: «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»؛ «[امام حسین علیه السلام آمد] تا مردم را از جهالت و ضلالت نجات دهد». به تعبیر آیت الله جوادی آملی، امام حسین علیه السلام انسان را از جهالت، یعنی از نادانی و گمراهی تئوریک، و از حیرت ضلالت، یعنی از گمراهی عملی نجات دادند.

اگر بشر از حیث تئوریک به نظریه های سالم، و از حیث عملی به کارکردهای درست دست یابد، می تواند به هدایت، سلامت و آرامش برسد و اربعین برای این است که در عصر جاهلیت تئوریک و ضلالت کارکردی، بشر را به ایمان برساند و بنابراین اربعین نشان مؤمن است.

نتیجه

مراسم باشکوه اربعین حسینی با حضور ملیت ها و مذاهب مختلف، کارکردهای بسیاری دارد که اندیشمندان ایرانی معاصر، برخی از این کارکردها را مطرح کرده اند. از کارکردهای سیاسی مراسم پیاده روی اربعین می توان به اقتدار آفرینی در سایه وحدت، نمایش امنیت عراق، وحدت بخشی به جهان اسلام، تقویت مناسبات میان ایران و عراق، پاسداشت یاد و خاطره امام حسین علیه السلام، تقویت هویت شیعی و زنده نگه داشتن و تقویت روح جمعی، و نیز استمرار مبارزات ائمه اطهار: در میان امت، احیای روحیه انتقام از ستمکاران با تبیین ظلم هایی که بر ائمه اطهار: و پیروان آنها در طول تاریخ رفته است، اشاره کرد. از کارکردهای اجتماعی اربعین حسینی نیز می توان موارد ذیل را برشمرد: انسجام اجتماعی (تقویت روح جمع گرایی)، تألیف قلوب و تقویت روح اخوت و همدلی در پرتو ذوب خودبینی ها و لغو تمایزات قومی، ملی و...، تقویت ارتباطات و مناسبات انسانی بر پایه محبت، صمیمیت، تلاف، ایثار، انفاق و تعاون. از کارکردهای فرهنگی نیز می توان به همایش حرکتی فرهنگی، جهت دهی و شکل دهی تمایلات مؤمنانه، آشنایی با ظرفیت های گردشگری مذهبی و تبلور آموزه های مذهبی و دینی اشاره کرد.



نظر دکتر محمدجواد عبدالرحمان در رابطه با اربعین حسینی

محمدجواد عبدالرحمان محقق و استاد دانشگاه‌های آفریقای جنوبی هم در مورد افزایش تفکر تکفیری‌ها در جوامع مختلف و آفریقای جنوبی اظهار کرد: اربعین حسینی می‌تواند شیعیان را در آفریقای جنوبی باهم متحد کند و نوعی ارتباط مناسب بین ما ایجاد کند و مانع از افزایش تفکر تکفیری‌ها در جامعه آفریقای جنوبی شود.

وی گفت: در سال ۲۰۱۹ سندی از مجمع قضایی مسلمانان در ویکی لیکس نشر پیدا کرد که تکفیری‌ها از این سند برای تضعیف جایگاه شیعه استفاده کردند. در این سند فکر و سبک زندگی یک مسلمان از زمان حیات تا مرگ موردبررسی قرار گرفته و آن‌ها سعی کردند اقلیت شیعه را در این سند تضعیف کنند.

محمدجواد عبدالرحمان بابیان اینکه این سند توسط رهبر مجمع قضایی مسلمانان تهیه شده اظهار کرد: آن‌ها سعی می‌کنند به گونه‌ای وانمود کنند که شیعه کافر است و حضور ما در اربعین می‌تواند تفکر مسلمانان دیگر عالم را نسبت به ما روشن کند و نگاه آن‌ها را تغییر دهد.

وی ادامه داد: تکفیری‌ها با استفاده از این سند توانستند در آموزش‌های خود القا کنند که تفکر شیعی مخالف تفکر اسلامی و تفکری منحرف از اسلام ناب است. آن‌ها تلاش می‌کنند شیعیان را در آفریقای جنوبی حذف کنند.

این استاد دانشگاه افزود: ما باید با استفاده از ظرفیت اربعین، دکترین کیفی ایجاد کنیم و نگاه دقیقی به جوامع بدهیم که شیعیان انسان‌های کوتاه‌فکر و انحرافی نیستند.



مبانی انسان شناختی نهضت عاشورا

نهضت عاشورا یک سلسله مبانی انسان شناختی دارد که این مبانی را امام حسین علیه السلام کاملاً روشن ساختند.

۱) انتقال آگاهی انسانی به جامعه

این مسأله یکی از تجلیات نهضت عاشورا است. امام حسین علیه السلام آگاهی هایی را به یاران خودشان منتقل ساختند که انسان بتواند حقیقت خودش را دریابد و به خویشتن خویش باز گردد و آن فطرت پاک انسانی ظهور و بروز پیدا کند. این آگاهی ها، آگاهی های دینی است و امام همواره درصدد پرداختن به این جنبه بوده است و در واقع می خواسته فطرت پاک انسان ها را بیدار کند. در روز جنگ هم می بینیم که حتی دشمنان خود را که هم اکنون صف آرای می نموده اند و به قصد کشتن او آمده اند، هشدار می دهد و سعی دارد فطرت انسانی آنها را با انتقال آگاهی ها بیدار کند. لذا سخنرانی می کند، اتمام حجت می کند و هرگز به لحاظ انسان شناختی از هدایت گری آنها مأیوس نیست. لذا کسانی در پرتو این شعاع های هدایتی قرار گرفته و از جمع دشمن جدا شده و به جمع امام حسین علیه السلام می پیوندند. حر سمیل و نمونه ای درس آموز و آگاهی بخش است. امام حسین علیه السلام، جدالی را در درون او به وجود آورد و او را علیه جنود شیطانی درون خودش تحریک، شوراند و به صف یاران خود و جبهه ی حق کشاند. لذا معرفت او به حدی رسید که گفت من خودم را بین بهشت و جهنم مخیر می بینم و عاقبت هم بهشت را برگزید.

۲) عدم یأس امام حسین از هدایت گری جامعه

درس دیگری که در کنار این قضیه می بینیم، این است که امام حسین هرگز از هدایت گری مأیوس نشدند و نفرمودند که دیگر فایده ای ندارد، بلکه همواره اتمام حجت ها را ادامه می دادند، لذا در هر فرصتی که پیش می آمد به ارشاد آنان می پرداختند و از انجام این کار کوتاهی نمی کردند. برای امام کاملاً روشن بود که در این شرایط تاریخی، یعنی بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تدریجاً آن

جنبه‌ی دوم در وجود آدمی ظهور و بروز یافته بود و انسان‌ها به دنبال زندگی خودشان بودند و از دین هم آن عناصری را می‌پسندند که زندگی روزمره را بتواند برای آنها توجیه کند، ما می‌بینیم که این اتفاقی بود که بعد از ۵۰ سال رخ داد و این اتفاق را راحت می‌توانستند توجیه بکنند. اگر بخواهیم بحثی کلامی را در اینجا بیان کنیم، یک نوع اندیشه اشعری‌گری پدید آمده بود که به راحتی می‌توانستند همه چیز را توجیه کنند. گروهی پیدا شده بودند به نام مرجئه که این‌ها هر فسق و فجور و هر ظلم و ستمی را می‌توانستند توجیه کنند که از عذاب وجدان هم رهایی پیدا نمایند. البته این نوع از اعتقادات را حکومت هم ترویج می‌کرد و عقیده‌ی جبری‌گری را برای آن جامعه، امری ضروری تبلیغ می‌کردند و در اندیشه‌ی مردم به نوعی تلقی کرده بودند که هر چه رخ می‌دهد، در واقع خواست خداوند است. خداوند فاعل مباشر همه‌ی افعال است، گرچه آن روز اشعری‌گری به وجود نیامده بود، ولی نوعی از فرهنگ اشعری که در قالب تفکر مرجئی‌گری بود وجود داشت. این تفکر را می‌بینیم در سخنان یزید و در موضع‌گیری‌های او هم وجود دارد و به همین نوع مسائل در خصوص به شهادت رساندن امام استفاده می‌کند. امام در چنین شرایطی، رسالت خودشان را در هدایت‌گری جامعه دیدند و در این راه از هستی خودشان مایه گذاشتند.



۳) انتقال مفاهیم معرفتی

یکی دیگر از جستارهای کلی نهضت عاشورا انتقال مفاهیم معرفتی به انسان‌ها است که این کار را همه‌ی تیپ‌های انسانی حاضر در صحنه دارند انجام می‌دهند. حتی زنان بزرگی همچون حضرت زینب(س)، تلاش در انتقال مفاهیم معرفتی دارند. خلاصه این که امام حسین علیه‌السلام یک کاری صرفاً سیاسی یا نظامی که توجه ایشان فقط معطوف به همین امور باشد، انجام نداده‌اند، بلکه در درون این حرکت، مفاهیم معرفتی را منتقل نموده‌اند. زیرا امام حسین علیه‌السلام آفت‌هایی را تشخیص داده بودند که این آفت‌ها می‌توانند همه‌ی جوامع بشری را در معرض انهدام و نابودی قرار دهند. در واقع امام حسین علیه‌السلام با این مفاهیم معرفتی، می‌خواستند از جامعه‌ی اسلامی آفت زدایی کنند.

اکنون که به جستارهایی از آموزه‌های انسانی و معرفتی دست یافتیم و درک نمودیم که امام حسین علیه‌السلام در این راه از همه‌ی موجودیت خودشان گذشتند؛ حتی یاران آن حضرت. در همین زمینه لطف فرموده این نکته را نیز توضیح دهید که چگونه می‌شود انسان‌هایی با این درک بالا، به این مرحله دست یابند که حاضر باشند، خطر نمایند و برای یک ایده‌ی بزرگ، بزرگ‌ترین مخاطره را بپذیرا شوند و به عبارت دیگر، تیپ معرفتی آنان چگونه بوده است که

توانسته آنها را به این مرحله از خود آگاهی برساند که تعداد اندکی در مقابل انبوه انسان‌هایی گمراه قرار بگیرند؟ عزیزانه: در واقع خطر کردن، فداکاری نمودن و به استقبال خطرات شتافتن، تحلیلش بسیار مشکل است اگر هدف نهضت عاشورا درک شود، این مخاطره هم درک خواهد شد.

امام در شب عاشورا اصحاب و تبار خودش را جمع می‌کند و آنها را از آنچه رخ خواهد داد آگاه می‌سازد و بعد می‌فرماید که من بیعت خودم را از شما برداشته‌ام، شمع‌ها و چراغ‌هایی که بوده را خاموش می‌کند و می‌فرماید اکنون در تاریکی شب که جز سیاهی شب ناظر شما نیست، می‌توانید بروید. ولی می‌بینیم که یاران مخلص با او می‌مانند و کاملاً هم خبر دارند که ماجرا چیست و می‌توانند درک کنند که حادثه غم‌باری در حال وقوع است.

توجیه این معنا را برخی با گرایش به مسائل عاطفی و برخی حرکتی اینار گرانه تفسیر نموده‌اند. چنان که مثلاً حضرت مسیح، فدای مسیحیان شد، حسین بن علی علیه‌السلام هم فدای مسلمین شد. یعنی هیچ راهی برای بخشش گناهان مسیحیان جز فدا شدن مسیح و هیچ راهی برای بخشش گناهان مسلمین، جز شهادت حسین بن علی علیه‌السلام و یارانش وجود نداشته است و او کفار گناه امت شده است. عقاید دیگری هم در این زمینه وجود دارد.

اما با توجه به نکاتی که در قسمت‌های پیش به آنها پرداختیم، باید حرکت امام حسین و یارانش را بالاتر از این گونه تحلیل‌ها مورد ارزیابی قرار دهیم. حرکت امام حسین علیه‌السلام با تکیه بر مبانی انسان شناختی عمیقی قابل درک و ارزیابی است. ما در اسلام در خصوص مسأله‌ی گناهذاتی، که اثری باشد که آثارش به دیگران هم رسیده باشد، چیزی نداریم. همه‌ی گناهان توسط خود انسان‌ها با توبه قابل از بین رفتن است. در اندیشه‌ی اسلامی مسأله‌ی توبه را داریم که بیانگر این نکته است که انسان، خودش می‌تواند برای خودش اقدام کند و اساساً جایی ندارد که اولیای دین برای بخشش گناه دیگران لازم باشد جان خودشان را به مخاطره و نهایتاً کشتن بیندازند. لذا به انسان‌ها آموزش داده می‌شود که رحمت و بخشش خدا بزرگ‌تر از همه چیز است و در حدیث قدسی است که خدای متعال می‌فرماید: اگر کسانی که به من پشت کرده‌اند. بدانند که من چه اندازه دوستشان دارم، آن وقت از شدت اشتیاق قالب تهی می‌کنند.

این نکات بیان‌کننده‌ی آن هستند که نیازی وجود ندارد که انسان‌های بزرگ برای گناه دیگران کشته شوند. لذا فلسفه‌ی شهادت امام حسین علیه‌السلام را نمی‌توان در این اندیشه‌های حقیر محصور کرد. همچنین از طرف دیگر نمی‌توان با قضیه‌ی عاشورا و امام حسین علیه‌السلام سوداگرانه برخورد کرد، یعنی کسی قطره اشکی بریزد و همه‌ی گناهان او بخشیده شود. این‌ها اصلاً با روح دینی ما موافق نیست. همه‌ی این‌ها راه‌های توجیهی است که برای فرار از رسالت و وظیفه ساخته شده و به خورد انسان‌ها داده شده است. اصلاً امام حسین علیه‌السلام، نهضتی بر پا کرد علیه این گونه از توجیهات، امام علیه‌السلام در پی تربیت انسان متعهد و مسؤول است. در مقابل انسان‌های دیگر، امام می‌خواهد انسانی تربیت کند، الهی و عنصری تربیت نماید، ربانی. لذا حرکت ایشان با جهت‌گیری کلی اصلاح‌گری قابل ارزیابی و دقت است. دو عنصر اصلاح‌گری و احیاء روح نهضت حسینی را تشکیل می‌دهد.

علی علیه‌السلام نکته‌ای دارد که می‌فرماید: خدا از آگاهان و عالمان تعهد گرفته است که بر گرسنگی مظلوم و سیری ظالم، سکوت ننموده و آرام ننشینند. همین نکته رسالت انسان مسؤول و متعهد اسلامی را بیان می‌دارد. امام حسین علیه‌السلام هم سکوت نفرموده و بقیه را هم با خود همراه نمود. درس‌هایی که القا کرده است، برای نشان دادن همین نوع از مسؤولیت است. امام می‌خواهند با تربیت انسان‌هایی والا و شایسته، همین احساس را به دیگران هم منتقل نمایند امام برای ایجاد چنین فضایی از اهرم‌های معرفتی حداکثر استفاده را نمودند و با همین نگرش نتیجه‌ی این حرکت، احدی الحسنین است، یعنی هم شهید شدن حسن است و هم فاتح شدن. لذا یک چنین معرفتی که امام داشتند، به یارانشان هم منتقل شد و این از خود گذشتگی را پیدا نموده و مخاطره‌ای بزرگ را پذیرا شدند. ره آورد بزرگی که حرکت عاشورا داشته انتقال همین مفاهیم بوده است. برای عملی ساختن این مفاهیم در دوره‌ی

معاصر، چه راه‌کارهایی را باید پیش رو قرار دهیم تا رسالت حسینی از جنبه نظری، در میان مسلمین، وارد جنبه‌ی عملی آن بشود؟

علیزاده: امام حسین علیه‌السلام فراتر از زمان و مکان را نگریسته و درس‌هایی را القا کرده است. همچون استادی که واقعا می‌خواهد انسان‌های دیگر را تربیت نماید. مکتب عاشورا همان مکتب اسلام است که مکتب انسان سازی و تربیت الهی است. لذا امام حسین علیه‌السلام هم درس‌های نظری داده، در قالب سخنرانی‌ها و گفته‌ها و هم درس‌های عملی داده است، در قالب آن حرکت بزرگ ایثار گرانه. امام حسین علیه‌السلام، هم چگونه زیستن را آموزش داد و هم چگونه مردن را. امام حسین علیه‌السلام آموزگار شهادت است. شهادت، یعنی آن نوع مردنی که در دین اسلام تعلیم داده می‌شود. مثلاً فرمود: اگر زندگی توأم با ذلت باشد، خود مرگی ابدی است، اما مرگ توأم با عزت، شرف و افتخار، مرگی است که از درون آن گل زیبای زندگی ابدی می‌روید و لذا یکی از بزرگ‌ترین راه‌کارهای عملی ساختن مکتب و فلسفه‌ی عاشورا، آموختن درس چگونه زیستن و چگونه مردن است.

من اینجا بر خلاف سخن مرحوم شریعتی که گفت: خدایا چگونه زیستن را به من بیاموز، من خود چگونه مردن را خواهم آموخت، من می‌گویم که امام حسین علیه‌السلام هم چگونه زیستن را آموخت و هم چگونه مردن را. چگونه زیستن، نپذیرفتن ذلت، خواری و حقارت و شاهد جنایات نبودن است و چگونه مردن هم عنصر الهی شهادت است. البته لازم نیست که همیشه صحنه‌ی جنگ و پیکار باشد و یا عملاً عاشورایی وجود داشته باشد، این را انسان در هر موقعیتی می‌تواند در خودش زنده کند، در صورتی که درس‌های نظری و عملی عاشورا را به خوبی ادراک نموده باشد. این یکی از دغدغه‌های ماست که چگونه این نحوه‌ی زیستن و این نحوه‌ی مردن را به بشریت و انسان معاصر بیاموزیم.

رسالت مبلّغان شریعت

در راستای همین بحث است که رسالت مبلّغان شریعت اسلامی و مروجان فرهنگ عاشورا خیلی سنگین می‌شود، یعنی ما اگر اسلام را آنچنان که هست، نه آنچنان که موقعیت ما را تثبیت بکند، به مردم آموزش دهیم انسان‌شناسی دینی اسلامی، معرفت دینی اسلامی و امهات دین را درست تصویر کنیم، خواهیم دید که همه‌ی مردم به دین اسلام گرایش خواهند یافت. امروزه همه‌ی ابزارها و امکانات تبلیغ مطلوب از دین را در اختیار داریم و نیک می‌دانیم که روزگار ما، روزگار ارتباطات است و انواع وسایل ارتباطی در اختیار ما هست. امروزه جهان همچون دهکده‌ای شده که همه‌ی انسان‌ها را می‌توانیم مخاطب قرار دهیم. در گذشته این گونه نبوده است. امام حسین علیه‌السلام در زمانی حرکت خودشان را انجام دادند و بر موضع حق خودشان تأکید ورزیدند که باید زمان می‌گذشت تا آن حقانیت جلوه کند، اما امروز چنان مشکلاتی برای تبلیغ مطلوب دین وجود ندارد و اگر کوتاهی کنیم، واقعا بخشوده نخواهیم شد. ما باید در تبلیغاتمان استراتژی مثبتی را تدارک ببینیم و نظر اسلام و واقعیت آن را به جهان ابلاغ نماییم. امروزه در قالب‌های هنری، می‌شود حقایق اسلامی را تبلیغ نمود و به گوشه و کنار عالم معرفی کرد.

انسان‌های این عصر و روزگار شیفته حقایقند و ابلاغ حقایق به آنها با شیوه‌ی سنتی و رایج کارآمد نیست. در خصوص انقلاب اسلامی هم می‌توانیم همین کار را انجام دهیم. اگر پا به بیرون از کشور بگذاریم در می‌یابیم که چه قدر انسان‌ها هستند که به انقلاب ما دل بسته‌اند، چه قدر عاشق معمار و رهبری انقلاب ما بوده‌اند، تا جایی که در بسیاری از نقاط جهان، نام بچه‌های خودشان را روح الله گذاشته‌اند و یا اینکه اسامی خاصی که نوعی حکایت‌گر انقلاب ما باشد را بر روی فرزندان‌شان گذاشته‌اند. این‌ها عشقی است که انسان‌های پاکدل بر این انقلاب و بر این مذهب جاری کرده‌اند و چه بسیار افرادی در دنیا هستند که در پرتو انقلاب ما حتی مسلمان شده‌اند. این‌ها همه زمینه‌های مثبت و آماده‌ای را در جهان معاصر برای درک و قبول اسلام نشان می‌دهد که اگر کوتاهی کنیم در نزد خدا مسؤولیم.

برای چنین حرکتی، چه راهکارهایی وجود دارد و به عبارت دیگر برای تأثیر گذاری مثبت در انسان‌های تشنه‌ی معاصر، باید چه راهی را برای تبلیغ صحیح در پیش بگیریم؟
علیزاده: ما باید در راستای این امر مهم، برنامه ریزی بلند مدتی را انجام دهیم. ما کوتاهی‌های زیادی داشته‌ایم و برنامه ریزی متناسب انجام نداده‌ایم. البته دیر نشده، باید برنامه ریزی کنیم و ابزار و امکانات را فراهم سازیم، باید شیوه‌ها و راهکارهایی را برگزینیم که برنامه عملی شود و به مقصد برسیم.

گوناگونی تحلیل‌ها در واقعه‌ی عاشورا

در خصوص واقعه‌ی عاشورا تحلیل‌ها متنوع و گوناگون می‌باشند، برخی هدف محوری را تشکیل حکومت دانسته‌اند و از زاویه‌ی ضرورت تشکیل دولت، به تبیین واقعه‌ی عاشورا پرداخته‌اند. البته این تحلیل متأسفانه تأثیری هم در گویندگان این نظریه نسبت به شرایط زمانی نداشته و نتوانسته‌اند دولت تشکیل بدهند. این گروه از افراد، کربلا را از این زاویه نگاه می‌کنند. که در حادثه‌ی عاشورا شرایط چنین عملی فراهم شد. یعنی حکومت بنی امیه دارای عوامل زوالی بود که تدریجاً متلاشی می‌شد و از بین می‌رفت. زیرا وقتی که معاویه مرد، بحرانی سیاسی در جامعه به وجود آمد. فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی علیه‌السلام با توجه به نفوذ اجتماعیشان، مناسب‌ترین افراد برای حکومت بودند. لذا یکی از ایالت‌های مهم آن زمان، زودتر از حادثه خبردار شدند و برای امام حسین نامه نوشتند و از او خواستند که حکومتی بر پا کند. امام حسین نامه‌ها را بررسی کردند و مثل یک رهبر آگاه و آشنا به مسائل حکومتی و دینی، ابتدا سفیری را به آنجا فرستادند و نامه‌ای به آنها نوشتند که نامه‌های زیادی از شما دریافت کردم، اکنون پسر عمویم را به سوی شما می‌فرستم و او سفیر تام الاختیار از ناحیه من است. او را فرستاده‌ام تا شرایط را با نامه‌ها تطبیق کند و در صورت آماده بودن شرایط به سوی شما خواهیم آمد. امام در همان نامه‌ها تعریفی هم از امامت ارائه می‌دهند و فرد لایق برای رهبری را معرفی می‌کنند. مجموع این حوادث را می‌توان به این گونه تحلیل نمود که یکی از انتظارات امام حسین، بر پایی حکومت بوده است.

تحلیل‌های دیگری نظیر فدا شدن برای بخشش گناهان امت پیامبر بیان شده و یا دیگر تحلیل‌ها.

عظمت حادثه عاشورا

اما به اعتقاد من این‌ها همه کوچک نمودن نهضت امام حسین علیه‌السلام است. البته همه‌ی این‌ها از زاویه‌ی می‌تواند درست باشد. اما حادثه‌ی عاشورا بالاتر از این‌هاست و دارای عظمتی است که با این تحلیل‌ها قابل بررسی همه جانبه نیست، بلکه باید حادثه را فراتر از این تحلیل‌ها در نظر بگیریم. حرکت امام حسین با سوگیری فطرت انسان‌ها دریافت می‌شود، یعنی هدف امام حسین، مخاطب قراردادن فطرت انسان‌ها بوده است. سخنانی که از امام حسین علیه‌السلام نقل شده این را نشان می‌دهد و تأثیراتی که این نهضت در انسان‌های بعدی گذاشته است نشان می‌دهد که نهضت کامیابی بوده و امام حسین علیه‌السلام به دلیل عظمت کاری که کرده، به هدف خود رسیده و کامیاب شده است. بنابراین محصور کردن این حادثه در جنبه‌ی خاص، ظلم بر حادثه‌ی عاشورا است.

نهضت عاشورا، نهضتی موفق

نهضت عاشورا چنانکه در بخش پیش هم به آن اشاره نمودیم، نهضتی موفق بوده است، چه بسیار حرکت‌هایی که در تاریخ از آن تأثیر گرفتند و منشأ تحول اجتماعی شدند و به نتیجه مطلوب هم رسیدند. قیام‌هایی تحت عنوان خونخواهی امام حسین برپا شد و ثمراتی داشت.

همچنین درس‌هایی که انقلابیون عالم از نهضت حسینی گرفته‌اند، بسیار بسیار فراتر از قیام‌هایی بوده و هست که در

سرتاسر تاریخ با الهام از عاشورا شکل گرفته‌اند. جا دارد که مورخان و جامعه‌شناسان، آثاری را که از این نهضت عظیم تاریخی بر جای مانده است، تحلیل کنند و مورد بررسی قرار دهند، خود این مسأله می‌تواند جهت تبلیغ دین و درس‌هایی که امام حسین علیه‌السلام به بشریت داده، مؤثر باشد. زیرا امام حسین علیه‌السلام برای همه‌ی انسان‌ها الگو دادند. گانندی که مسلمان هم نبوده به شدت تحت تأثیر حادثه‌ی عاشورا قرار گرفته است.

در انقلاب‌های دیگر و در انقلاب اسلامی ایران هم نقش حماسه‌ی عاشورا پر رنگ است، لذا باید در جامعه‌شناسی انقلاب‌ها هم مطالعه نمود. مثلاً امام خمینی قدس سره می‌فرمایند: که خون بر شمشیر پیروز است. پشت این عبارت، عالمی تحلیل نهفته است. درس‌های عظیمی پشت این جمله بود. این بود که این جملهروحی در مردم دمید. یا جمله‌ای که مرحوم شریعتی گفت: «آنها که رفتند کاری حسینی کردند و آنها که مانده‌اند باید کاری زینبی بکنند و گرنه یزیدی‌اند.» این جمله چنان موجی ایجاد کرد که بعضی گفتند: شریعتی معلم انقلاب بود. یا حماسه‌هایی که در جبهه‌های جنگ ایران علیه عراق رخ داد، همه‌ی این‌ها الهام گرفته از حادثه‌ی عاشورا بود.

همه‌ی این‌ها به برکت خون امام حسین علیه‌السلام بود. اگر امام انقلاب آفرید، اگر شریعتی با دل دادگی به امام حسین آن چنان انقلابی سخن گفت و اگر مطهری حماسه‌ی حسینی را سر آمدترین حماسه‌های تاریخی می‌داند و با تکیه بر حماسه‌ی حسینی به تطهیر جامعه اقدام می‌کند، همه از پرتو خون حسین بن علی بوده است.

دین، محرک عامل پویایی جامعه است، قضیه‌ی عاشورا هم چون نسخه‌ی عملی دین است، همین خاصیت محرک بودن را دارد. لذا این نهضت هر روز زنده‌تر و پویاتر و فعال‌تر می‌شود و هر روز زنده و با طراوت و محرک است.